درمکتب امام

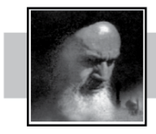

منشأ وابستگی‌ها

تمام وابستگی‌ها از خود آدم پیدا می‌شود. وقتی انسان وابسته است، نفسش وابسته است به جهاتی که مال خودش است، به نفسیت خودش، به وضعیت خودش، این تمام وابستگی‌هایی که در خارج هم برایش پیدا می‌شود، منشأش اینجاست. وقتی این وابستگی باشد، اگر بخواهند برایش تحمیل کنند، چون این وابستگی هست، تحمیل می کند، قبول می کند. وقتی ببینند یک چیزی با این آمالی که دارد مخالف است، اگر نکند، یک وقت به هم می‌خورد، این خاضع خواهد شد. اگر انسان از این وابستگی وارسته شد، آزاد شد از این، این دیگر آزاد است، این دیگر از کسی نمی‌ترسد؛ همه قدرت‌های عالم جمع بشوند، این نمی‌ترسد.

صحیفه امام؛ ج۱۶؛ ص۴۵۳ | جماران؛ ۷ شهریور ۱۳۶۱

سالگرد هجوم ساواک به مسجد جاوید

بعد از سخنرانی آقا، مسجد تعطیل شد

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«به مناسبت ایام وفات امام صادق(علیه‌السلام) در مسجد جاوید

جناب آقای سید علی خامنه‌ای روز شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ آبان از ساعت ۷/۵ بعدازظهر سخنرانی می‌نمایند

نشانی جاده قدیم شمیران پایین‌تر از باغ صبا ایستگاه عوارضی»

این متن اطلاعیه سخنرانی آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای بود که در اوایل آبان ۱۳۵۳ بر تابلوی اعلانات مسجد و همچنین کوچه و خیابان‌های اطراف نصب شد، ابتدا قرار بود سخنرانی در تاریخ‌های ۱۱ و ۱۲ آبان انجام شود اما متولی مسجد جاوید یعنی حاج عباس جاوید نتوانسته بود مجوز آن سخنرانی را از شهربانی بگیرد.

این در حالی بود که دکتر مفتح امام جماعت مسجد از ابتدای تابستان از آقا سید علی خامنه‌ای درخواست کرده بود که برای سخنرانی به مسجد جاوید بیاید و آقا سید علی به‌دلیل جلسات و کلاس‌های متعددی که در مشهد داشتند، فرصت نکرده بودند به تهران بیایند. اما این‌بار به مناسبت شهادت امام جعفر صادق(علیه‌السلام) دکتر مفتح با اصرار از آقای خامنه‌ای خواست که برای دو روز ۱۸ و ۱۹ آبان در مسجد جاوید سخنرانی کنند.

مجوز صادر نشد

طبق معمول، حاج عباس جاوید بایستی به کلانتری ۵ می‌رفت و برای برنامه آن دو روز مجوز می‌گرفت، اما او از این رفت‌وآمدها خسته شده بود و این‌بار ترجیح داد راه شمال کشور را در پیش گیرد. بنابراین دکتر مفتح خودش اقدام کرد تا از مقامات شهربانی اجازه سخنرانی آقای خامنه‌ای را بگیرد. اما تا روز هجدهم آبان هیچ‌گونه مجوزی صادر نشد. موضوع را تلفنی به آقای خامنه‌ای گفت که اجازه سخنرانی نخواهند داد. آقای خامنه‌ای که بلیت گرفته بودند از آمدن به تهران منصرف شدند. اما آگهی سخنرانی توزیع گردیده و مردم در ساعت مقرر در مسجد اجتماع کرده بودند. دکتر مفتح اعلام کرد که آقای خامنه‌ای، نتوانستند خود را به مجلس برسانند و تقریباً اغلب حاضران متوجه شدند که ماجرا به عدم صدور مجوز برگشته و از همین‌روی به اعتراض برخاسته و شروع به الله‌اکبر گفتن، کردند.

بنا به اظهارات برخی حاضران در آن جلسه، پس از آن، مردم اقدام به سردادن شعارهای ضد شاه نمودند و کلانتری محل که از این تظاهرات ضد رژیم جا خورده بود و می‌ترسید کنترل از دستش خارج شود، به اطلاع دکتر مفتح رساند که اگر جلسه ۱۹ آبان با آرامش برگزار شود، آنها مجوز برگزاری را خواهند داد. چراکه از برگزاری تظاهرات ضد رژیم دیگری وحشت داشت.

همان شب دکتر مفتح مجدداً با آقای خامنه‌ای تماس گرفت و باز اصرار نمود که ایشان حتماً برای جلسه ۱۹ آبان حضور داشته باشند و آقا هم به هر دشواری و سختی بود، خودشان را در روز نوزدهم به مسجد جاوید رساندند و از آنجا که دکتر مفتح خود ممنوع‌المنبر بود، آقا هم با مشورت ایشان تصمیم گرفتند که ایستاده صحبت کنند و بر منبر ننشینند.

دستور دستگیری و تعطیلی صادر شد

سخنرانی درباره دوران حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام بود، در آن سخنرانی، آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای علاوه‌بر ابعاد امامت و وجوه علمی و ایمانی امام، به تشکیلات مبارزاتی که در میان شیعیان خود علیه حکومت بنی‌عباس به راه انداخته بودند، پرداختند. ایشان در اوج اختناق رژیم طاغوت، مسئله مهم «امامت و ولایت» را مورد بحث قرار دادند و ابعاد سیاسی-اجتماعی و انقلابی آن را تشریح کردند. آنچه تا آن روز کمتر مورد اشاره قرار گرفته بود و از طرف دیگر مشابهت‌هایی با شرایط مبارزاتی علیه رژیم شاه پیدا می‌نمود.

جلسه فوق به‌طور باورنکردنی مورد استقبال جوانان واقع شد و پس از پایان سخنرانی، حاضرین به سردادن شعار الله‌اکبر و نوشتن شعار و پخش اعلامیه اقدام کردند. از همین‌روی جلسه سخنرانی یادشده که کاملاً در محاصره مأموران شهربانی و زیر ذره‌بین ساواک برگزار می‌گردید، خشم رژیم شاه را برانگیخت تا جایی که این دستور از سوی معاونت اطلاعات ساواک به واحد اجرائی آن صادر شد:

«سوم آذر ۱۳۵۳، ریاست واحد اجرائی

خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به شناسائی و دستگیری و بازرسی محل سکونت محمد مفتح فرزند محمد واعظ اقدام و مشارالیه را به کمیته (مشترک ضد خرابکاری) هدایت نمایند.

معاونت اطلاعات عطارپور...»[1]

در همان روز مأموران ساواک به مسجد جاوید هجوم برده و با تفتیش و به هم ریختن آن و ضرب‌وشتم حاضرین، از جمله خادم آن، مسجد را تعطیل کردند.

آیت‌الله دکتر مفتح دستگیر شد و آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای نیز تحت تعقیب قرار گرفته و مدتی به ساری رفتند ولی سرانجام در بازگشت به مشهد، مأموران ساواک در ۲۰ دی‌ماه به منزل ایشان در این شهر هجوم برده، آیت‌الله را دستگیر کرده و به کمیته مشترک به اصطلاح ضدخرابکاری انتقال دادند. به فرموده خود امام شهید، این دوران از سخت‌ترین دوران‌های بازداشت و زندان ایشان بود که حدود یک سال به طول انجامید.

مسجدی که ساواک را حساس کرد

پیش از آن نیز ساواک نسبت به فعالیت‌های مسجد جاوید بسیار حساس شده بود. در یکی از اسناد ساواک در این‌باره آمده است:

«... درباره مسجد جلیلی و مسجد جاوید

محترماً به استحضار می‌رساند مدیریت کل اداره سوم در تاریخ ۵۳/۴/۱۲ اوامری بدین شرح صادر فرمودند، گفته می‌شود دو مسجد فوق در حال حاضر جای حسینیه ارشاد و مسجد هدایت را گرفته و عناصر متعصب در این دو مسجد اجتماع می‌نمایند. دستور تحقیق و مراقبت به ساواک تهران داده شود.

از سوی دیگر به‌دنبال مراقبت‌هایی که از منابر دکتر محمد مفتح به‌وسیله منابع ساواک تهران به عمل آمد، مشخص گردید که یادشده در محافل و مجالس مذهبی بر روی منبر مطالب خلاف مصالح مملکتی عنوان می‌نماید.

با عرض این که در مورد کنترل مساجد مزبور و سایر محافل مذهبی مشابه بموقع دستورات تحقیقی و مراقبتی کافی به ساواک تهران و شهرستان‌ها داده شده مراتب جهت استحضار از عرض می‌گذرد...»

مسجد جاوید تهران که در اوایل دهه ۵۰ توسط حاج عباس جاوید و با طراحی حسین لرزاده در جاده قدیم شمیران (خیابان دکتر شریعتی فعلی) ایستگاه عوارضی ساخته شد، بعد از تعطیلی مساجد الجواد و هدایت و حسینه ارشاد، در سال ۱۳۵۲ با دعوت از آیت‌الله دکتر مفتح به‌عنوان امام جماعت آن، به‌صورت یکی از پایگاه‌های نهضت امام خمینی درآمد و در آن روحانیون انقلابی و شخصیت‌های مبارز از جمله استاد مطهری و دکتر باهنر و... سخنرانی کرده و کلاس و جلسات اصول عقاید، فلسفه، اقتصاد، تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، عربی، تاریخ ادیان و جامعه‌شناسی برای پسران و دختران دانشجو و همچنین کلاس‌های دیگری در سطح دانش‌آموزان برگزار می‌گردید.

یکی از سخنرانی‌های مهم در مسجد جاوید سخنرانی‌های استاد مطهری در ماه رمضان سال ۵۲ با موضوع «مجاهد در اسلام» بود که مستمعینش را جمعی از دانشجویان پلی‌تکنیک تشکیل می‌دادند و همین مسئله هم برای ساواک حساسیت‌برانگیز به‌شمار می‌آمد.

اما آنچه ساواک را بیش از هر موضوعی نسبت به فعالیت‌های مسجد جاوید حساس کرده بود، (آنچنان که در اسناد مشهود است) تجمع دختران و پسران جوان و دانشجو در کلاس‌های این مسجد و تدریس دکتر مفتح بود، همچنین برپایی کتابخانه‌ای غنی که دکتر مفتح از همان آغاز فعالیتش برای آن برنامه‌ریزی کرد تا حتی دانشجویان را به هوای کتابخانه به مسجد بکشاند.

این فعالیت‌های انقلابی در گزارش ساواک به این شرح درج شده است:

«... محترماً مقام عالی را آگاه می‌سازم: ... آقای شیخ محمد مفتح استاد دانشگاه و پیش‌نماز مسجد جاوید در جاده قدیم شمیران که مدعی است ممنوع‌المنبر می‌باشد اخیراً در قسمت شمالی ساختمان مسجد که نوساز و هنوز نیمه‌تمام می‌باشد و دارای درب جداگانه است جهت عده‌ای از دختران و پسران جوان که بین آنها دانشجویان دانشگاه نیز دیده شده‌اند، درس تفسیر قرآن تشکیل داده است و روزهای پنجشنبه و جمعه بعدازظهر در دو کلاس جداگانه مبادرت به تدریس مسائل علمی و دینی و تفسیر قرآن می‌نماید...»[2]

به این ترتیب مسجد جاوید به کانون گرم نهضت امام تبدیل شد و علاوه‌بر فعالیت‌های مختلف آموزشی و روشنگرانه، مرکزی هم برای توزیع اعلامیه‌های امام گردید. اعلامیه‌های حضرت امام مخفیانه به مسجد آورده شده و در اختیار فعالان آن قرار می‌گرفت و بلافاصله توسط آنها و دانشجویان جذب شده، به شیوه دیگر مساجد انقلابی آن دوران مانند مسجد جلیلی، لابه‌لای جزوات و کتاب‌های قرآن گذارده می‌شد تا وقتی در شب‌های احیا، قرآن بر سر می‌گیرند یا در کلاس‌های تفسیر و یا در جلسات قرائت و ترتیل قرآن، آن اعلامیه‌ها را ببینند و بخوانند.

مسجد قبا به جای مساجد تعطیل‌شده

مسجد جاوید در ۳ آذرماه ۱۳۵۴ با هجوم مأموران ساواک تعطیل شد و اگر چه در سال‌های بعد به‌صورت خیلی محدود و بدون بازگشایی کتابخانه و کلاس‌های درس و تفسیر، تنها برای نماز مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما به‌دلیل دستگیری آیت‌الله خامنه‌ای و دکتر مفتح و ممنوع‌المنبری و تحت نظر قرار گرفتن اغلب روحانیون انقلابی، دیگر به آن دوران پرشور خود بازنگشت.

اما به جای آن در سال ۱۳۵۵، مسجد قبا واقع در قلهک و در نزدیکی حسینیه ارشاد که تعطیل شده بود، با حضور روحانیون انقلابی مثل دکتر مفتح و دکتر باهنر فعال شد و در دوران اوج‌گیری نهضت امام در سال‌های ۵۶ و ۵۷ از پایگاه‌های اصلی انقلاب به‌شمار رفت.

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک- کتاب بیست‌وششم- شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح- مرکز بررسی اسناد تاریخی- چاپ اول- پاییز ۱۳۸۲- صفحه ۲۹۶

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک- جلد ۲۶- پیشین

گزارش روز دویست و هفتاد و چهارم جنگ

هاآرتص: اختیار تعیین سرانجام جنگ در دست ایران است نه ترامپ

در حالی که جنگ وارد دهمین ماه خود شده، عموم ارزیابی‌های آمریکایی - صهیونیستی و غربی بر این باور هستند که حمله نظامی اقدامی شکست‌خورده با هزینه‌های گزاف برای آمریکا بوده و باید بر روی محاصره و فشار اقتصادی تأکید شود.

مرور این ارزیابی‌ها حاکی از این است که اقتدار نظامی ایران دشمن را عقب رانده و بنابراین اکنون باید به آخرین عملیات واقعی او در حوزه محاصره و فشار اقتصادی یا انواع روش‌های متقارن و نامتقارن حمله کرد.

هر نوبت جنگ، ایران را قوی‌تر کرد

دیروز یک تحلیلگر ارشد صهیونیست اذعان کرد: تشدید مجدد درگیری‌ها با ایران، به سود ایران خواهد بود. هر بار جنگ، ایران را قوی‌تر کرده است. در شرایط کنونی، تداوم فشار اقتصادی آمریکا بر ایران، از آغاز جنگی جدید مؤثرتر است.

شاخار کوفمان، رئیس سابق بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل (امان)، در مقاله‌ای در اسرائیل هیوم نوشت: تشدید مجدد درگیری‌ها با ایران به سود ایران خواهد بود. هر بار جنگ، ایران را قوی‌تر کرده است. در شرایط کنونی، تداوم فشار اقتصادی آمریکا بر ایران، از آغاز جنگی جدید مؤثرتر است.

شاخار کوفمان، رئیس سابق بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل (امان)، در مقاله‌ای در اسرائیل هیوم نوشت: تشدید مجدد درگیری‌ها با ایران به سود ایران خواهد بود. هر بار جنگ، ایران را قوی‌تر کرده است. در شرایط کنونی، تداوم فشار اقتصادی آمریکا بر ایران، از آغاز جنگی جدید مؤثرتر است.

این نشریه می‌نویسد: آمریکا در رویارویی نظامی دست بالا را داشته، اما در حال باختن جنگ است. براساس منطق کلاوزویتس، معیار پیروزی نه میزان خسارات واردشده به دشمن، بلکه تحقق اهداف سیاسی جنگ است. واشنگتن در طول نه ماه گذشته هیچ‌یک از اهداف اعلام‌شده خود را به‌طور قطعی محقق نکرده است. نابودی توان موشکی و دریایی ایران، قطع حمایت تهران از متحدان منطقه‌ای، جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای و بازگشایی تنگه هرمز همچنان اهدافی تحقق‌نیافته هستند.

با وجود دو کارزار نظامی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاعی از میزان و محل نگهداری ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران ندارد. حکومت ایران نیز نه‌تنها سقوط نکرده، بلکه سرسخت‌تر از گذشته شده است. آمریکا جنگ را با مطالبه تسلیم بی‌قیدوشرط ایران آغاز کرد، اما اکنون ناگزیر به بررسی پیشنهادهای تهران برای بازگشایی تنگه‌ای است که پیش از جنگ باز بود. این تحول نه تعدیل اهداف، بلکه کنار گذاشتن آن‌هاست. در مقابل، ایران با تحقق هدف بنیادین خود، یعنی بقا، اکنون مطالبات بلندپروازانه‌تری همچون رفع تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده و شناسایی بین‌المللی کنترل خود بر تنگه هرمز را دنبال می‌کند.

آمریکا در چهار حوزه متحمل خسارت راهبردی شده است: افزایش هزینه‌های اقتصادی، کاهش ذخایر تسلیحاتی موردنیاز برای بازدارندگی در سایر مناطق، تضعیف مناسبات با متحدان و فرسایش قدرت نرم. مصرف گسترده تسلیحات و انتقال ذخایر نظامی از اروپا و آسیا به خاورمیانه، آمادگی آمریکا را در دیگر عرصه‌های رقابت راهبردی کاهش داده است. خودداری بسیاری از متحدان واشنگتن از مشارکت در جنگ و هزینه‌های تحمیل‌شده به کشورهای میزبان نیروهای آمریکایی نیز آینده همکاری‌های نظامی را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

در مقابل، ایران باوجود خسارات انسانی، نظامی و اقتصادی سنگین، سه دستاورد راهبردی کسب کرده است: اثبات توان تحمیل هزینه‌های گسترده به دشمنان، کسب موقعیت برتر در تعیین شرایط پایان جنگ و تقویت احتمالی انگیزه دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای.

آمریکا دیگر نمی‌تواند بدون جلب موافقت ایران به جنگ پایان دهد

جاست سکیوریتی همچنین خاطرنشان کرد: آمریکا دیگر نمی‌تواند بدون موافقت ایران، جنگ را با شرایطی قابل‌قبول پایان دهد. همچنین تهران ممکن است به این نتیجه برسد که برخورداری از ظرفیت ساخت سلاح هسته‌ای زمینه حمله را فراهم می‌کند، اما داشتن چنین سلاحی می‌تواند بازدارنده باشد. خسارات ایران عمدتاً مادی و قابل‌جبران، اما دستاوردهایش راهبردی هستند؛ وضعیتی که برای آمریکا معکوس است.

شکست احتمالی آمریکا ریشه در چهار خطای اساسی دارد: فقدان هدف سیاسی مشخص، ناتوانی در تدوین نظریه‌ای معتبر برای پیروزی، دست‌کم گرفتن واکنش دشمن و فقدان برنامه‌ای برای پایان جنگ. واشنگتن تصور می‌کرد حذف رهبران ایران و بمباران گسترده، حکومت را به تسلیم وادار خواهد کرد؛ حال‌آنکه جنگ برای ایران ماهیتی وجودی و برای آمریکا ماهیتی انتخابی داشت.

تصمیم‌گیران آمریکایی همچنین پیامدهای انسداد تنگه هرمز و گسترش منطقه‌ای منازعه را دست‌کم گرفتند. آمریکا برای جنگیدن با ایران برنامه داشت، اما برای پایان دادن به جنگ برنامه‌ای نداشت. هر توافق واقع‌بینانه‌ای احتمالاً مستلزم پذیرش بخشی از مطالبات ایران خواهد بود. چنین توافقی می‌تواند ابعاد شکست آمریکا را محدود کند، نه اینکه آن را به پیروزی تبدیل سازد.

ایران تسلیم نخواهد شد
چرا که نترس‌تر شده است

روزنامه نیویورک تایمز می‌گوید: ایران تسلیم نخواهد شد؛ چرا که در سایه جنگ نترس‌تر و جسورتر شده و آمریکا نمی‌داند چگونه به جنگ پایان دهد.

این روزنامه می‌نویسد: دولت‌های عربی خواهان آغاز جنگ نبودند، اما تصور می‌کردند واشنگتن برای پایان آن نقشه‌ای دارد. اکنون بیم آن می‌رود که آمریکا و اسرائیل راه پایان دادن به رویارویی را ندانند یا حاضر به پرداخت هزینه آن نباشند؛ در نتیجه، همسایگان ایران بهای حکومتی جسورتر را بپردازند. برخلاف ادعای ترامپ مبنی بر پایان جنگ و اثرگذاری محاصره دریایی، حملات ایران به نفتکش‌های اماراتی ادامه دارد. حملات پهپادی و سامانه راداری آمریکا در بحرین نیز تداوم یافته است. تهران می‌خواهد ترامپ را میان توافقی نامطلوب، شامل تضمین امنیتی و رفع تحریم در برابر بازگشایی تنگه هرمز، و ازسرگیری جنگی پرهزینه قرار دهد.

تهران تسلیم نشده است؛ کشوری که سال‌ها تحریم را تحمل کرده، به‌سادگی عقب نمی‌نشیند. ترامپ و نتانیاهو تصور می‌کردند حذف رأس حکومت به فروپاشی می‌انجامد؛ اما ساختار سیاسی باقی ماند، خشمگین‌تر و افراطی‌تر. این جنگ، مانند جنگ تجاری ترامپ با چین، حاصل تصمیم‌گیری شتاب‌زده و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی است. ایران با تسلط بر تنگه هرمز اهرمی ماندگار به دست آورده است.

خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری چندپاره شده است. تلاش عربستان برای کاهش تنش نتیجه نداده و حملات حوثی‌ها تشدید شده است. لبنان از خلع سلاح حزب‌الله ناتوان است، عراق میان دولت منتخب و شبه‌نظامیان نزدیک به ایران تقسیم شده است. جنگی که بدون متحدان، مشروعیت جهانی، طرح جایگزین و بدون شناخت تحولات داخلی ایران آغاز شد، سرنوشت کل منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کیگان: آمریکا، بازنده راهبردی جنگ است

رابرت کیگان تحلیلگر ارشد نومحافظه‌کار و پژوهشگر ارشد مؤسسه بروکینگز در گفت‌وگو با نشریه ایتالیایی ایل‌فوگلیو تأکید کرد: جنگ با ایران خطایی راهبردی بود. آمریکا در میدان نبرد به نتایج چشمگیری رسیده، اما در تصویر کلی راهبردی، بازنده است. این جنگ، توان آمریکا را در صحنه‌ای درجه‌دوم مصرف می‌کند. منافع اصلی آمریکا همیشه در اروپا و شرق آسیا بوده است. ایران توان حمله به خاک آمریکا را ندارد و این جنگ اساساً در خدمت منافع اسرائیل بوده است.

چین این جنگ را به‌دقت زیر نظر دارد. آمریکا برای این جنگ نیروهای مهمی را از غرب اقیانوس آرام بیرون کشید، از جمله یگان‌هایی که برای مقابله با حمله احتمالی چین به تایوان در نظر گرفته شده بودند. اگر ایران هنوز می‌تواند خسارت جدی وارد کند، چین از این ماجرا چه درسی می‌گیرد؟

قربانی دیگر این جنگ، روابط دو سوی آتلانتیک است. پیمان اعتماد میان آمریکا و متحدانش بی‌اعتبار شده است. آمریکا عملاً رابطه امنیتی‌اش با اروپا را کنار می‌گذارد.

اختیار تعیین سرانجام جنگ
در دست ایران است نه ترامپ

«ترامپ می‌تواند جنگ دیگری را آغاز کند، اما پایان آن در دست ایران است». روزنامه صهیونیستی هاآرتص ضمن انتشار ارزیابی فوق می‌نویسد: تشدید درگیری‌های نظامی در خلیج فارس، افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه و رایزنی‌های مقامات نظامی اسرائیل و آمریکا، احتمال آغاز سومین جنگ با ایران را افزایش داده است.

با پایان انتخابات اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و ناکامی نشست ترامپ، پوتین و شی جین‌پینگ در یافتن راه‌حلی برای بحران، رئیس‌جمهور آمریکا همچنان با دو گزینه مواجه است: آغاز عملیات نظامی دیگری که ممکن است به جنگی فرسایشی و بی‌پایان تبدیل شود یا پذیرش سازوکاری برای بازگشایی تنگه هرمز با همکاری کشورهای خلیج فارس و ورود به مذاکرات مرحله‌ای درباره برنامه هسته‌ای ایران.

تهران می‌کوشد حل بحران فوری را از اختلافات راهبردی جدا کند؛ بازگشایی تنگه هرمز، کاهش فشار محاصره اقتصادی و موکول کردن مذاکرات هسته‌ای به مراحل بعدی، محور این رویکرد است.

تفاوت بنیادین ایران و آمریکا در محاسبه هزینه‌ها و منافع جنگ نهفته است. برای تهران، مسئله ماهیتی وجودی دارد: بقای نظام سیاسی، جلوگیری از حمله مجدد و شکستن محاصره. برای واشنگتن، مسئله عمدتاً به اعتبار، بازدارندگی و وجهه بین‌المللی مربوط می‌شود.

ترامپ باید نشان دهد که قدرت نظامی آمریکا بیهوده به کار گرفته نشده و ایران همچنان بر واشینگتن و مسیرهای کشتیرانی جهانی اهرم فشار ندارد. بااین‌حال، آغاز جنگی کوتاه و شدید برای تحقق اهدافی که دو عملیات پیشین در دستیابی به آن‌ها ناکام مانده‌اند، قماری بزرگ است. بدون تعیین اهداف روشن و اولویت‌بندی مطالبات، واشینگتن و تل‌آویو ممکن است بار دیگر به نقطه آغاز بازگردند؛ با ویرانی بیشتر و مخاطرات گسترده‌تر. توانایی ترامپ برای تعیین زمان آغاز جنگ، لزوماً به معنای توانایی او برای تعیین زمان پایان آن نیست.

ایران از این جنگ قدرتمندتر بیرون می‌آید

پروفسور رابرت پیپ استاد دانشگاه شیکاگو می‌گوید: موضوع فقط این نیست که آمریکا هنوز در جنگ پیروز نشده است؛ بلکه ایران در حال افزایش قدرت خود است. آنچه امروز شاهد آن هستید، ایرانی قدرتمندتر از ۹ ماه پیش است.

هم‌زمان، کریس مورفی، سناتور آمریکایی گفت: جنگ کنونی باعث خواهد شد ایران در موقعیتی به‌مراتب قدرتمندتر از گذشته در منطقه ظاهر شود؛ تحولی که کشورهای عربی خلیج فارس ناچارند با پیامدهای آن کنار بیایند. احتمالاً جنگ کنونی به پایان ترتیبات امنیتی دیرینه آمریکا با کشورهای خلیج فارس و حرکت این کشورها به سمت روابط دیپلماتیک نزدیک‌تر با ایران منجر شود.

تنها راه‌حل جنگ: عقب‌نشینی آمریکا از منطقه و رفع محاصره

اسرائیل آمریکا را داخل مرداب جنگ با ایران کرد؛ با این فریب که در اثر ترور، جمهوری اسلامی فرو می‌پاشد. اما اکنون، عقب‌نشینی آمریکا از منطقه و رفع محاصره، تنها راه‌حل جنگ است.

اسکات ریتر، افسر سابق اطلاعاتی ارتش آمریکا با بیان تحلیل فوق می‌افزاید: ترور ده‌ها یا صدها نفر از مقامات عالی‌رتبه ایران به شورش مردمی و سرنگونی حکومت منجر نمی‌شود. آمریکا، اسرائیل و مخالفان خارج‌نشین هیچ شبکه مؤثری در داخل ایران ندارند و سازمان سیا در برابر ضد اطلاعات ایران شکست خورده است. جنگ کنونی جنگ اسرائیل است و ارتش آمریکا نه توان شکستن پدافند هوایی ایران را دارد و نه در جنگ فرسایشی حریف شهرهای موشکی زیرزمینی ایران می‌شود.

آمریکا و اسرائیل از نظر اطلاعاتی می‌توانند محل اقامت ده‌ها یا صدها مقام ارشد ایرانی را شناسایی و آن‌ها را ترور کنند، اما تمام داده‌های میدانی نشان می‌دهد که این راهبرد شکست خورده است. ما قبلاً این کار را انجام دادیم؛ علی خامنه‌ای و نوه ۱۴ ماهه‌اش را کشتیم و بخش‌های مهمی از رهبری ایران را حذف کردیم، اما نه حکومت ایران فروپاشید و نه مردم علیه حکومت قیام کردند، بلکه مردم بیشتر حول پرچم کشورشان متحد شدند. ایران دارای نهادهای مستحکم و انعطاف‌پذیری است که شوک‌های سنگین را پشت سر گذاشته‌اند و از این مرحله هم عبور می‌کنند.

آمریکا از پرواز اف-۳۵ بر فراز ایران واهمه دارد. این هواپیماها در برابر قبایل مسلح و مراسم عروسی قدرتمند به نظر می‌رسند، اما آمریکا در شرایط کنونی از به پرواز درآوردن آن‌ها بر فراز ایران هراس دارد.

انصارالله یمن دارای توان بومی و مهندسی پیشرفته در تولید موشک بالستیک و پدافند هوایی است و در کیفیت تسلیحات فاصله چندانی با ایران ندارد.

آینده نامعلوم پایگاه آمریکا در بحرین

روزنامه واشنگتن‌پست هم در گزارشی خاطرنشان کرد: پس از حملات سنگین ایران، پایگاه نیروی دریایی آمریکا در بحرین با آینده‌ای نامعلوم روبه‌روست. امروزه، بسیاری از محله‌های اطراف این پایگاه متروکه به نظر می‌رسند. تنها بخش کوچکی از بیش از ۸ هزار پرسنلی که زمانی در اینجا مستقر بودند، باقی مانده‌اند و آینده حضور آمریکا در اینجا و در سراسر خلیج فارس نامشخص است، زیرا پنتاگون در حال بررسی انتقال نیروهای خود از منطقه به اسرائیل و اردن است. مقامات نظامی آمریکا اذعان می‌کنند مشخص نیست پایگاه نیروی دریایی آمریکا در بحرین چه زمانی -و یا حتی آیا اصلا- به سطح عملیاتی پیش از جنگ بازخواهد گشت یا خیر.

هگست تحت فشار؛ پنتاگون سرگرم سانسور

در همین حال، ریچارد ماود، مجری و مفسر سیاسی شبکه MSNOW در گزارشی عنوان کرد: کشته شدن بیش از ۱۲ آمریکایی و مجروحیت ده‌ها نفر دیگر در پایگاه نظامی کویت، انتقادات از عملکرد پیت هگست، وزیر دفاع را تشدید کرده است. هگست به کوتاهی در اجرای تدابیر امنیتی و حفاظتی برای نیروهای آمریکایی مستقر در خاورمیانه در برابر حملات تلافی‌جویانه ایران متهم شده است.

تلفات انسانی آمریکا در این حملات، بار دیگر ضعف تدابیر حفاظتی پنتاگون و آسیب‌پذیری پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه را به کانون توجه تبدیل کرده و مسئولیت مقامات نظامی واشنگتن در قبال این تلفات را زیر سؤال برده است.

از سوی دیگر، نشریه آتلانتیک فاش کرد که در پی نگرانی‌ها از افشا شدن ابعاد خسارات حملات ایران، پنتاگون حتی به سناتورهای هر دو حزب آمریکا اجازه بازدید از پایگاه‌های آسیب‌دیده را نداده است.

آمریکا حتی توان مهار پهپادها را ندارد
چه رسد به موشک‌ها!

همچنین دنیل دیویس، تحلیلگر سیاست خارجی و سرهنگ سابق پنتاگون می‌گوید: ایران قدرت بازدارندگی گسترده‌ای در خاورمیانه دارد و برد موشک‌هایش می‌تواند تا پایگاه دیه‌گو گارسیا برسد. ایران، کابوس موشکی منطقه است و ما حتی توان مهار پهپادهایش را نداریم. پیرس مورگان مجری و روزنامه‌نگار انگلیسی هم معتقد است: ایرانی‌ها با رونمایی از شهرهای موشکی آمریکایی‌ها را به سخره می‌گیرند؛ انگار می‌گویند: «ما تمام این امکانات را در اختیار داریم، اما شما نمی‌توانید به آن‌ها دسترسی پیدا بکنید»! انتقال تجهیزات نظامی و هسته‌ای به عمق زمین، یک راهبرد حساب‌شده و مؤثر بوده که دسترسی مستقیم به ذخایر را بدون عملیات زمینی بسیار دشوار کرده است.

توان رزمی ایران
این کشور را شکست‌ناپذیر کرده است

جان مرشایمر نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل درباره توانمندی‌های شگفت‌انگیز ایران تأکید کرد: سلاح‌ها در دست ایرانی‌ها به‌شدت ضریب توان رزمی ارتش ایران را افزایش داده‌اند و تلاش‌های آمریکا برای پیروزی در جنگ با ایران را واقعاً پیچیده کرده‌اند. ایرانی‌ها اکنون این فناوری پیشرفته را در اختیار دارند که وقتی می‌کوشیم جنگی برپا کنیم، ما را به دردسر می‌اندازد. این موضوع احتمال این‌که آمریکا بتواند در جنگ با ایران پیروز شود را تا دو برابر کاهش می‌دهد.

او افزود: واشنگتن درک درستی از قدرت موشکی و پهپادی ایران نداشت و غافلگیر شد. پیش از آغاز جنگ در ۲۸ فوریه، تصور نمی‌کنم بیشتر سیاست‌گذاران آمریکایی و کارشناسان مستقل، به‌درستی درک کرده بودند که موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادهای ایران تا چه اندازه می‌توانند مؤثر باشند. این تسلیحات می‌توانند قدرت نظامی آمریکا، پایگاه‌های نظامی این کشور و متحدانش در منطقه را تحت تأثیر قرار دهند. آمریکا به دلیل ناتوانی در تحقق اهداف خود در جنگ با ایران شکست خورده، چراکه فناوری‌های نظامی جدید موازنه میدان نبرد را تغییر داده است.

مرشایمر همچنین گفت: ما نه‌تنها در دستیابی به تمامی اهداف اعلام‌شده ناکام ماندیم، بلکه کنترل تنگه هرمز را نیز از دست دادیم؛ پایگاه‌های ما در منطقه نابود شد و ائتلاف‌های منطقه‌ای ما از هم پاشید. کارزار بمباران ۴۰ روزه برای تغییر حکومت شکست خورد. اکنون نه گزینه جدی برای بمباران داریم و نه امکان اعزام نیروی زمینی؛ تنها راه باقی‌مانده فشار و محاصره اقتصادی است که در تاریخ هیچ‌گاه به نتیجه دلخواه منجر نشده است.

شهید فخری‌زاده، نماد پیوند تخصص و تعهد، ایمان و علم و تدین و تلاش بود

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مناسبت هفتم آذرماه، سالروز شهادت شهید محسن فخری‌زاده بیانیه‌ای صادر کرد.

به گزارش مهر، متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هفتم آذرماه، یادآور شهادت مظلومانه دانشمند برجسته هسته‌ای و دفاعی کشور، شهید دکتر محسن فخری‌زاده است؛ مردی از تبار علم، ایمان و مجاهدت که عمر پربرکت خود را در مسیر پیشرفت علمی، توسعه فناوری‌های راهبردی و تقویت توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران صرف کرد و نام خود را در تاریخ پرافتخار دانش و دفاع ایران اسلامی ماندگار ساخت.

شهید دکتر فخری‌زاده، نماد پیوند تخصص و تعهد، ایمان و علم و تدین و تلاش بود؛ دانشمندی که باور داشت پیشرفت حقیقی کشور، در گرو رجوع به تمدن شگرف ایرانی و اسلامی، اعتماد به ظرفیت‌های داخلی، پرورش استعدادهای جوان و حرکت مستمر و شجاعانه در مرزهای علم و فناوری است. تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آن شهید والامقام در عرصه‌های علمی و پژوهشی که بارها مورد تایید و تاکید رهبر مجاهد شهید حضرت آیت الله العظمی امام سید علی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه) قرار گرفت؛ جلوه‌ای از اراده ملت ایران برای دستیابی به استقلال علمی و فناوری و عبور از محدودیت‌ها، عقب افتادگی‌های تاریخی و تحریم‌های تحمیلی بود.

شهادت این دانشمند بزرگ به دست خبیث‌ترین دشمنان ملت ایران، نه‌تنها نتوانست مسیر پیشرفت علمی کشور را متوقف سازد، بلکه عزم جامعه علمی و دفاعی ایران را برای ادامه راه او استوارتر کرد. تجربه تاریخ نشان داده است که اندیشه و دانش را نمی‌توان با ترور خاموش یا سرکوب کرد و راهی را که با ایمان، تلاش و اراده ملی آغاز شده است، نمی‌توان با حذف دانشمندان متوقف ساخت